

حنای و فال خالی در مدرسه

نفیسه نجفی قدسی
تصویرگر: شهرام شیرزادی



خال خالی جانم، پنیر خوش مزه‌ای را که مامان از شیر تو درست کرده است، فردا با دوستانم می‌خوریم.



فکر خوبی است. پس هر کس هر چه توانست بیاورد! من هم چند کتاب داستان می‌آورم تا بعد از فوتبال با هم بخوانیم.

آقا معلم، فردا برای اولین روز مدرسه چه کار کنیم؟

با خوراکی‌هایمان جشن بگیریم.

آقا بیایید با هم یک دست فوتبال بازی کنیم.



مامان، این هم تخم‌مرغ‌های امروز حنایی! می‌شود با آنها نیمرو درست کنید که فردا در جشن اولین روز مدرسه بخوریم؟



کمی بیشتر بچینم، آقا معلم سبزی خوردن خیلی دوست دارد.



شروع مدرسه، قدم قدم پیش به سوی آبادانی روستا



آی گردو، گردو، گردو



بابا به من هم نان می‌دهی؟

بله حتماً! یک نان برای شما، بقیه هم برای شاگردانم.

فرزند عزیزم، امسال هم مجله را با یک قصه‌ی تصویری که می‌دانم خیلی دوست داری، شروع می‌کنیم. اگر علاقه‌مند بودی می‌توانی نظرت درباره‌ی این قصه را به نشانی مجله در صفحه‌ی فهرست، برایمان بفرستی.

دوست تو سردبیر